

## پیامدهای انحراف اعتقادی و راهکارهای پیشگیری از آن از منظر قرآن

امرالله ادیب<sup>۱</sup> | سید عبدالله حسینی<sup>۲</sup>

### چکیده

انحراف اعتقادی به عنوان یکی از چالش‌های عمده در جوامع اسلامی، می‌تواند به بحران‌های اجتماعی، سیاسی و دینی منجر شود. این موضوع از منظرهای مختلف قابل طرح و بررسی است که در این تحقیق، از منظر قرآن کریم به آن پرداخته شده است. هدف تحقیق، شناسایی پیامدهای انحراف اعتقادی و ارائه راهکارهای پیشگیری از آن از منظر قرآن کریم است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و داده‌های آن با استفاده از اسناد و مدارک مکتوب (کتابخانه‌ای) جمع‌آوری شده است. مهم‌ترین یافته‌های تحقیق این است که انحراف اعتقادی پیامدهایی چون سردرگمی فکری، تفرقه در میان مسلمانان و کاهش اعتقادات دینی، به دنبال دارد. برای رهایی از این معضل، تمسک به رهنمودهای قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) برای ارائه راهکارهای کاربردی، یک ضرورت پژوهشی است. این تحقیق می‌تواند به شکوفایی فضای فطری انسان کمک کرده و به مسئولان دینی و اجتماعی در تقویت بنیان‌های اعتقادی جامعه و ارائه الگوهای مناسب برای پیشگیری از انحرافات اعتقادی، یاری رساند.

**کلیدواژه‌ها:** پیامد، انحراف، عقیده، خداوند، راهکار، توحید، کفر، شرک، نفاق

۱. ماستری تفسیر و علوم قرآن، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

۲. دکتری فقه و معارف اسلامی، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

ایمیل: saiydabdullah@gmail.com

## مقدمه

انسان عصاره همه موجودات است و پیامبران آمده‌اند برای این که با تعالیم دینی این عصاره بالقوه را به بالفعل تبدیل کنند و انسان یک موجود واقعی الهی شود. برای این کار، یادگیری و عمل به آنچه که خداوند در قرآن بیان کرده و پیامبرش در روایات ارزشمند خود به ارث گذاشته است، راهگشاست. انحراف اعتقادی پدیده‌ای است که پیامدهای هلاک‌کننده‌ای در پی دارد. تنها راه پیشگیر از آن، تمسک به رهنمودهای قرآن و سنت رسول خدا (ص) است. سؤال‌های اصلی تحقیق این است که «از منظر قرآن، انحراف عقیدتی چه پیامدهای دارد و چه راهکارهای برای پیشگیری آن وجود دارد». در این مقاله به سه انحراف بزرگ اعتقادی یعنی کفر، شرک و نفاق پرداخته شده و آثار دنیوی و اخروی هر کدام به صورت مجزا بررسی می‌شود. هم‌چنین به ارائه مهم‌ترین راهکارهای مقابله با انحراف اعتقادی یا راه‌های دوری از کفر، شرک و نفاق نیز پرداخته خواهد شد.

## ۱. پیامدهای دنیوی کفر

### ۱-۱. سلب توفیق اصلاح از فرد

یکی از پیامدهای کفر، سلب توفیق اصلاح فرد است. خداوند سبحان هدایت و درک حقیقت را از شخص کافر سلب کرده و دعوت به‌سوی حق و بیم دادن به او تأثیرگذار نیست؛ چنانکه خداوند سبحان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنْذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» به راستی برای کافران فرقی نمی‌کند که آن‌ها را بیم دهی یا ندهی، آنان ایمان نمی‌آورند» (بقره: ۶).

### ۱-۲. ختم قلوب

پیامد دیگری از کفر، ختم قلب‌ها و سمع است. کافران به سبب کفر و عناد که با قرآن و اسلام داشتند، حتی بعد از این که حق و حقیقت برایشان روشن شد کفر ورزیدند، به همین علت، قلب‌ها، گوش‌ها و چشمانشان مهر و پرده زده شده است و از درک هر چیزی که موجب سعادت دنیا و آخرت و رهایی از عذاب الهی باشد، ناتوان هستند؛ چون خداوند سبحان می‌فرماید: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ



عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ خداوند بر دل‌ها و گوش‌هایشان مهر زده است و بر چشم‌هایش پرده است و عذاب بزرگی در پیش دارند» (بقره: ۷). اهل معانی می‌گویند: خداوند متعال برای قلب‌های کفار ده صفت بیان نموده است: ختم، طبع، ضیق، مرض، رآن، موت، قساوت، انصراف، حمیه، انکار (قرطبی، ۱۹۶۴: ۱، ۱۸۶). منافقان در این پیامد با کفار شریک هستند. منافقان به ایمان خود پایدار نمی‌ماندند، بلکه ایمان می‌آوردند، سپس کافر می‌شدند. لذا به دل‌هایشان مهر زده شد؛ چنانکه خداوند سبحان در آیه ۳ سوره منافقون به آن اشاره کرده است.

## ۱-۲. گمراهی و ضلالت

پیامد دیگری کفر، گمراهی از راه مستقیم هدایت به سمت راه ضلالت است. انسان به کفر ورزیدنش به الله سبحان و آیات و رسولش، خود را به گمراهی و هلاکت می‌کشانند. چنانکه خداوند سبحان می‌فرماید: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكِتَابِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ هرکس به خداوند و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز قیامت کفر بورزد، به راستی در گمراهی دور و دارازی افتاده است» (نساء: ۱۳۶). چه گمراهی شدیدتر از گمراهی کسی که راه مستقیم هدایت را ترک کند و راهی را که به عذاب دردناک می‌انجامد در پیش بگیرد! بدان که کفر ورزیدن به یکی از امور مذکور به مثابه کفر ورزیدن به همه آنهاست؛ زیرا این امور با یکدیگر مرتبط هستند و با اعتقاد به برخی و کفر ورزیدن به برخی دیگر، ایمان محقق نمی‌شود.

یکی از گمراهی گمراهان، حق پنداشتن باطل و پذیرفتن ولایت طاغوت است. چنانکه خداوند سبحان در آیه ۲۵۷ سوره بقره در آیه ۱۰۴ سوره کهف به آن اشاره نموده است. کافران کارساز و سرپرستی غیر واقعی را اختیار کردند و ولایت طاغوت را قبول نمودند. پس ایشان را از راه هدایت و نور ایمان به سوی تاریکی‌های کفر و ضلالت می‌کشانند. پس زیانکارترین انسان‌ها در روز قیامت، همین اشخاص ستند که ولایت طاغوت را پذیرفتند، باطل را حق پنداشتند و آیات و پیامبران الهی را تکذیب و استهزا کردند. کفر ورزی پیامدهای دیگری نیز در پی دارد، مانند مستوجب لعنت شدن، تنگی معیشت، ناامیدی از رحمت الهی، استهزاء، غرور و اختلاف افگنی، تعصب جاهلی که در آیات فراوان بیان شده است: (بقره: ۱۶۱)؛



العنکبوت: ۲۳؛ الرعد: ۳۲؛ ص: ۲، العلق: ۶-۷؛ الفتح: ۲۶)

## ۲. پیامدهای اخروی کفر

### ۲-۱. نابینا حشر شدن

یکی از پیامدهای کفر نابینا حشر شدن است. خداوند سبحان کافران را در روز قیامت نابینا بر می‌انگیزد؛ چون خداوند متعال در مورد می‌فرماید: «وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ خداوند در روز قیامت کسی را که از ذکر پرودگارش اعراض نموده، نابینا محسور می‌کند» (طه: ۱۲۴). بر اساس آیه فوق، روی تافتن از آیات الهی، در حقیقت نابینا و منحرف شده از راهی مستقیم است و باعث هلاکت انسان می‌گردد.

### ۲-۲. حبط اعمال و نبود یاور

پیامد دیگری کفر در دنیا حبط اعمال و نبود پاداش و یاور در آخرت است. کفر تمام پاداش اعمال نیک انسان را باطل و نابود می‌کند؛ زیرا الله سبحان در مورد کسانی که به آیات الهی کفر می‌ورزند و پیامبران را تکذیب می‌کنند، می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ؛ ایشان کسانی هستند که اعمال‌شان در دنیا و آخرت تباه شده است و ایشان را هیچ یاور و مددکاری نیست» (آل عمران: ۲۲). یعنی کسانی که به آیات الله کفر می‌ورزند و پیامبران را که پیشوایان هدایت هستند، تکذیب می‌کنند، اعمال‌شان در دنیا و آخرت تباه شده و سزاوار عذابی دردناک هستند و یاور نخواهند داشت.

### ۲-۳. خسران و ندامت

پیامد دیگری کفر خسران و ندامت ابدی است. کافران در روز قیامت بسیار زیان و ندامت خواهند دید؛ اما ندامت در آنجا سودمند نیست. چنانکه خداوند سبحان در این مورد می‌فرماید: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ کسانی که به قرآن کفر می‌ورزند، زیانکارانند» (بقره: ۱۲۱). در جای دیگر نیز در این مورد می‌فرماید: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ و کسی که به (ارکان) ایمان کفر ورزد، عملش از بین رفته و او در آخرت از زیانکاران است» (مائده: ۵). زیانکارترین مردم از نظر عمل، کسانی هستند که در دنیا به خداوند سبحان کفر ورزیدند، از راه قرآن و سنت منحرف





شدند، راه دوزخ را به پیش گرفتند و تمام اعمالشان نابود و باطل شده است. بر اساس آیات فوق کفر سبب خسران، نابودی اعمال و ندامت ابدی و همیشگی است که هیچ قابل جبران نیست.

## ۲-۴. محرومیت از شفاعت

در روز قیامت هرکس در گرو عملکرد خود است، مگر یاران سمت راست که در گروگان نیستند، بلکه آزاد و شاد در باغ‌های بهشت، در آسایش کامل به سر می‌برند و از همدیگر در مورد گناه کاران می‌پرسند که حال‌شان چگونه باشد. اهل توحید برایشان می‌گویند: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ چه چیزی شما را وارد دوزخ ساخت». کافران در جواب می‌گویند: از نمازگزاران نبودیم، به بینوایان خوراک نمی‌دادیم، با حق مجادله می‌کردیم، روز قیامت را تکذیب می‌کردیم و به آن باور نداشتیم؛ یعنی کافران تا وقت مرگ به روز قیامت باور نداشتند، بلکه تکذیب می‌کردند. وقتی در جهنم انداخته شدند، اقرار می‌کنند که واقعاً قیامت، حساب و کتاب حق بوده و ما تکذیب کننده آن‌ها بودیم؛ اما اقرارشان چیزی به دردشان نمی‌خورد، حتی هیچ شفاعتِ شفاعت‌کننده در حق آنان پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا خداوند سبحان می‌فرماید: «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ؟ پس شفاعت شفاعت‌کنندگان، سودی به آنان ندارد» (مدثر: ۴۸). شفاعت‌کننده‌گان فقط برای کسانی شفاعت می‌کنند که مورد پسند الله سبحان باشند؛ اما اعمال کفار مورد پسند الله نیست.

کفر پیامدهای دیگری برای آخرت نیز در پی دارد، از قبیل سیاهی سیما در روز قیامت، عذاب بزرگ، خلود در جهنم و ... است (آل عمران: ۱۰۶، البقره: ۷، البقره: ۳۹) ..

## ۳. پیامدهای مهم شرک

### ۳-۱. ابتلا به خرافات

مشرکان مبتلا به خرافات مختلف هستند که به برخی از آن‌ها اشاره‌ای می‌کنیم. از جمله خرافات ایشان این بود که برخی حیوانات و کشتزارها را برای بت‌ها اختصاص می‌دادند و استفاده از آن‌ها را برای دیگران ممنوع و حرام اعلام کرده بودند، جز کسانی از خدمتکاران بت‌ها که اگر می‌خواستند از آن استفاده می‌کردند. خداوند سبحان در این مورد می‌فرماید:



«وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْتُ حِجْرًا لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِرَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءٌ عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ؛ به گمان خویش می‌گفتند این قسمت از چهارپایان و زراعت (که مخصوص بت‌هاست، برای همه) ممنوع است و جز کسانی که ما بخواهیم، نباید از آن بخورند! و (این‌ها) چهارپایانی است که سوار شدن بر آن‌ها حرام شده و چهارپایانی که (هنگام ذبح،) نام خدا را بر آن‌ها نمی‌بردند و به خدا دروغ می‌بستند؛ (و می‌گفتند: این احکام، همه از ناحیه اوست) به زودی (خداوند) کیفر افتراهای آن‌ها را می‌دهد» (انعام: ۱۳۸).

یکی دیگر از موارد بی‌خردی و گمراهی مشرکان، این است که کشتن فرزندان به صورت زنده دفن کردن بود. آنان پسران خود را از ترس فقر و ناداری و دختران را از ترس آلوده شدن به عار و ننگ زنده به گور می‌کردند. این کار را برای مشرکان سرداران و شیاطین‌شان زیبا جلوه می‌داد. خداوند سبحان در این مورد می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْذُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ؛ این‌گونه برای بسیاری از مشرکان سران و شیاطین‌شان، کشتن فرزندان‌شان را زیبا جلوه می‌دادند تا هلاک‌شان کنند و دین‌شان را بر آنان مشتبه گردانند» (انعام: ۱۳۷).

عوامل مهم این گونه قتل‌ها از قرار ذیل بود:

۱. از ترس فقر؛ چون در سوره انعام آیه ۱۵۱ و در سوره اسراء آیه ۳۱ فرزندان‌تان را از ترس فقر نکشید. شما و آنان را ما روزی می‌دهیم.

۲. قتل دختران از بیم ننگ و عار چنانکه در سوره نحل آیه ۵۸ و ۵۹ بیان شده است.

بر اساس آیات فوق، نذر کردن به غیر الله و حرام کردن آنچه را خداوند حلال قرار داده، حرام است و نسبت دادن اعمال نادرست به خداوند، افترا و گناه بزرگی به شمار می‌آید. ذکر نام خدا در ذبح حیوانات از اصول اساسی اسلام است. کشتن فرزندان به دلیل ترس از فقر، نه تنها حرام است، بلکه پیامدهای خطرناکی برای جامعه دارد و می‌تواند به از بین رفتن نسل‌ها و تضعیف خانواده‌ها منجر شود. این آیات مسلمانان را به پرهیز از تحریف در دین و عمل بر اساس آموزه‌های الهی یادآوری می‌کند و بر اهمیت صداقت، تقوای الهی، آگاهی و بصیرت در حفظ دین و انسانیت تأکید دارد.



### ۲-۲. سقوط در وادی پستی

شرک سبب فروافتادن از بلندای توحید و یکتاپرستی است و رها کردن راه مستقیم و به پیش گرفت راه‌های انحراف و سرانجام خود را به گودال شرک و هلاک انداختن است؛ چون خداوند در این مورد می‌فرماید: «وَمَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ؛ هر کس به خداوند شرک آورد، گویا که از آسمان فرو افتاده (از بلندای ایمان به‌سوی پستی کفر سقوط کرده است) آن‌گاه مرغان (مرده خوار) او را ربوده‌اند، یا باد او را به جای بسیار دور افکنده است» (حج: ۳۱).

شرک باعث از دست دادن شرف و کرامت انسانی است. مشرکان از امکانات و ابزار شناخت خدادادی برای معرفت خالق خود استفاده نمی‌کنند و این مکلفیت و هدف خلقت انسان است. خصوصاً عقل که محور اساسی شناخت است، در راستای معرفت خالق به کار نمی‌گیرند، بلکه تمام ابزار و نیروی خدادادی خود را در راه باطل صرف می‌کنند. لذا شرف و کرامت انسانی خود را از دست داده و در پایین‌ترین موقف حیوانی قرار می‌گیرند. آیه کریمه به تصویرسازی و عواقب شرک و خطرات ناشی از آن اشاره دارد. این تصویر به شدت خطرناک بودن شرک را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که فرد مشرک در معرض تهدیدات جدی قرار دارد و از هدایت و رحمت الهی دور است.

نکته دیگری این است که تشبیه به «تَخْطَفُهُ الطَّيْرُ» و «تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ» نشان‌دهنده وضعیت بی‌ثباتی و عدم امنیت فرد مشرک است؛ مانند پرنده‌ای که به راحتی از سوی شکارچیان گرفته می‌شود یا فردی که در طوفان به مکان نامعلومی می‌افتد، مشرک نیز در خطر مداوم قرار دارد و از حمایت الهی بی‌بهره است. آیه کریمه به عواقب اخروی شرک اشاره دارد و یادآوری می‌کند که فرد مشرک نه تنها در دنیا در معرض خطر است، بلکه در آخرت نیز با عذاب الهی مواجه خواهد شد. این تهدید به تقویت روحیه پرهیز از شرک کمک می‌کند. به طور کلی، آیه به نقد شرک و عواقب خطرناک آن می‌پردازد و اهمیت توحید و پایبندی به اصول دینی را تأکید می‌کند.

### ۳-۳. ابتلا به ترس

کفر و شرک سبب گرفتاری ترس، وحشت و ورود به جهنم است. شخص کافر و مشرک



همیشه خائف و ترسان است؛ چنان‌که خداوند سبحان در این مورد می‌فرماید: «سَلِّقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ؛ در دل‌ها کافران هراس و ترس خواهیم انداخت به سبب آنکه شریکانی برای الله متعال قرار می‌دهند که هیچ دلیلی بر حقانیت آنها نازل نکرده است و جایگاه‌شان جهنم است؛ و جایگاه ستمگران، چه بد جایگاهی است» (آل عمران: ۱۵۱). چون مشرکان از ایمان و توحید که منبع آرامش روح و روان انسان است محرومند، همیشه ترس و وحشت در فکر و روانشان است و از مؤمنان می‌ترسند، تکیه‌گاه محکمی ندارند و هنگام رویارویی با سختی‌ها و مشکلات پناه‌گاهی نخواهند داشت. حالشان در دنیا چنین است؛ اما در آخرت دشوار و سخت‌تر از این خواهد بود.

### ۳-۴. اعتماد به تکیه‌گاه ضعیف

خداوند مشرکان را با هلاک ساختن امت‌های مکذّب هشدار می‌دهد؛ مانند عاد و ثمود و غیره که او تعالی آن‌ها را نابود کرده است و بیان می‌دارد که خداوند سبحان آیات خود را به صورت‌های گوناگون برای آنان بیان کرده تا آن‌ها از کفر و تکذیب خود برگردند، وقتی ایمان نیاوردند و کفر ورزیدند و از تکذیب خود دست برنداشتند، خداوند آن‌ها را مورد مؤاخذه شدید قرار داده و نابوشان کرد. در این هنگام خدایانی که به جای الله سبحان به فریاد می‌خواندند، هیچ چیزی از عذاب الهی را از آنان دور نتوانستند. معبودهایی که آنان سال‌ها با انواع عبادات به آنان تقرب می‌جستند و آن‌ها را پرستش می‌کردند، به این امید که به آن‌ها سودی برسانند، نه آنان را اجابت کردند و نه چیزی را از آنان دور توانستند. چنین عقیده بسیار خطرناک است (بدخشانی، ۱۳۹۳: ۷۱۷).

### ۳-۵. پذیرش تسلط شیطان

خطرناک‌ترین پیامد شرک، داخل شدن انسان زیر سلطه شیطان است؛ زیرا اولین شرکی که در اولاد آدم به وجود آمد، شیطان در ایجاد آن نقش مهمی داشت، انسان را به آن تشویق و ترغیب کرد و توانست توسط شیطنت‌های دروغین خویش برخی انسان‌ها را شکار کند. زمانی که انسان زیر سلطه شیطان قرار گیرد، او با وسوسه‌های دروغین خود انسان را از یاد



خدا غافل می‌کند. چنانکه خداوند می‌فرماید: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ شیطان بر ایشان مسلط شده و یاد خدا را از خاطرشان برده است، آگاه باشید که حزب شیطان زیانکار است» (مجادله: ۱۹).

شیطان که دشمن آشکار انسان است، همیشه تلاش دارد تا انسان‌ها را با تزیین و خوب جلوه دادن گناهان و با تشویق‌های باطل خود، در گودال‌های هلاکت بیندازد. خداوند بارها در آیه‌های مختلف به انسان‌ها هشدار داده است که شیطان دشمن آشکاری شماست، پیروی او را نکنید و فریب او را نخورید تا در گناه مبتلا نشوید. زمانی که انسان آلوده به گناه و زشتی‌ها شد، به تدریج خدا را فراموش می‌کند و گناه برایش زیبا جلوه می‌کند. با تکرار گناه، قوه عاقله به اسارت هوای نفس در می‌آید و ابزار دست شیطان می‌شود. چنانکه خداوند سبحان می‌فرماید: «وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ شیطان عملکردشان را برای ایشان آراسته است» (انعام: ۴۳). بر اساس آیات فوق، پیروی از شیطان در حقیقت به گناه آلوده شدن و منجر به هلاکت انسان است. بنابراین دوری جستن از شیطان برای انسان یک امر مهم و ضروری است.

پیامدهای دیگری نیز در قبال دارد از قبیل اضلال و گمراهی بی حد، محرومیت از اماکن مقدس، اضطراب و نگرانی، نفی تشکیل خانواده‌گی با مشرک و... که در ضمن آیات ذیل، بیان شده است (نساء: ۱۱۶؛ آل عمران: ۱۵۱؛ الحج: ۱۱؛ بقره: ۲۲۱).

#### ۴. پیامدهای اخروی شرک

##### ۴-۱. حبط اعمال

یکی دیگری از اضرار شرک، نابودی اعمال عبادی انسان است که در قرآن از آن به حبط عمل یاد شده است. شرک تمام اعمال نیک انسان را از بین می‌برد؛ زیرا اعمال مشرک مورد پسند الله سبحان قرار نمی‌گیرد. خداوند پیامبر اکرم (ص) را مخاطب قرار داده و با وجود اینکه آن حضرت برای خداوند بسیار محترم است، به وی اخطار داده که اگر شرک داشته باشد، تمام اعمال خود را با دست خود تباہ می‌کند. این یعنی اگر انسان عقیده درست و توحیدی



نداشته باشد، هیچ عمل خیر او مورد قبول درگاه الهی قرار نمی‌گیرد. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ به راستی به تو و به پیامبران پیش از تو وحی شده که اگر شرک بورزی، به طور قطع عملت نابود و تباه می‌شود و از زیانکاران می‌گردد» (زمر: ۶۵). در آیه کریمه به دو چیز اشاره شده؛ یکی حبط و نابودی اعمال و دیگری در دنیا و آخرت دچا ضرر و زیان شدن.

#### ۴-۲. محرومیت از جنت

شرک و همتا قرار دادن به الله متعال، باعث محرومیت از جنت و قرار دادن خود در پرتگاه هلاکت است؛ چنان‌که خداوند سبحان می‌فرماید: «إِنَّهُ مَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ؛ بی‌گما کسی که به خداوند متعال شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام نموده و جایگاهش دوزخ است و ستمگاران هیچ یآوری ندارند» (مائده: ۷۲).

این بدان خاطر است که شخص مشرک مخلوق را با خالقش برابر ساخته است، درحالی‌که سزاوار عبادت خاص، فقط الله سبحان است و کس دیگری شایسته عبادت نیست. در آیه کریمه فوق، به سه پیامد شرک اشاره شده است: ۱. محرومیت از بهشت؛ ۲. همیشه در جهنم ماندن؛ ۳. نبود یارور در روز قیامت که آن‌ها را از عذاب الهی نجات دهد یا بخشی از عذابی که بر آنان فرود آمده است دور نماید. بنابراین براساس آیه مبارکه، شرک عامل تمام بدبختی‌های دنیا و آخرت انسان است.

#### ۴-۳. ندامت ابدی

شرک باعث ندامت ابدی می‌شود. در روز قیامت، وقتی حقیقت برای مشرکان آشکار می‌شود، آنان از کردار خویش پشیمان می‌شوند. آنان آرزو می‌کنند، ای کاش! دوباره به دنیا برگردند تا از مؤمنان باشند و هیچ‌کس را با خالق خود شریک نسازند. چنانکه خداوند قول ایشان را حکایت نموده و می‌فرماید: «فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ ای کاش یک بار دیگر (به دنیا) باز گردیم تا از زمره مؤمنان باشیم» (شوری: ۱۰۲).



مشرکان با مشاهده جهنم و افتادن به آتش دوزخ، از شرک خود پشیمان می‌شوند و از خداوند می‌خواهند که به دنیا بازگردانده شوند تا ایمان آورند و از شرک خود منصرف شوند؛ اما زمان و فرصت ایمان آوردن گذشته و درخواست‌های آن‌ها پذیرفته نمی‌شود.

## ۵. پیامدهای دنیوی نفاق

### ۵-۱. خودبرتربینی

یکی از پیامدهای نفاق خودبرتربینی است. منافقان خود را برتر از دیگران می‌دانند و برایشان گفته می‌شد که ایمان بیاورید و الله سبحانه را به یگانه‌گی بپذیرید. مانند دیگران (صحابه) می‌گفتند ایشان کم‌عقلند و حال آن‌که خودشان کم‌عقلند که فایده خوبی و بدی را درک نکردند؛ چنانکه خداوند سبحانه می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ؛ چون به ایشان گفته شود که ایمان بیاورید، چنان‌که سایر مردم ایمان آورده‌اند، گویند: آیا ایمان آوریم چنان‌که بی‌خردان ایمان آوردند؟ بدانید که خودشان نادان و بی‌خردند، ولی نمی‌دانند» (بقره: ۱۳).

بر اساس این آیه کریمه، ایمان صحابه معیاری برای حقانیت است و منافقان سفیه محسوب می‌شوند. تمام مفسران بر این باورند که مراد از «ناس» در این آیه صحابه است. این آیه بر افضلیت صحابه کرام دلیل آشکار است و اشاره است که ایمان ایشان معیار حقانیت است و صحابه معیار حقند.

### ۵-۲. ترس و اضطراب همیشگی

پیامد دیگر نفاق، ترس و اضطراب همیشگی است. منافقان همیشه در ترس و هراس بودند که مبادا سوره یا آیه‌ای نازل شود که اسرار ایشان را افشا نماید. چنانکه در این مورد خداوند می‌فرماید: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَغْنُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ؛ منافقان از آن می‌ترسند که سوره‌ای در باره آنان نازل شود که از آنچه در دل‌هایشان است خبر دهد، بگو: (بر منافقان) مسخره کنید، بی‌گمان خداوند آنچه را که از آن ترس دارید، آشکار می‌سازد» (توبه: ۶۴).

خداوند سبحانه در سوره منافقون از حالات و پلیدی‌های شوم آنان خبر داده است.



منافقان بسیار ترسو هستند، در دل تردید و شک دارند و همیشه در خوف و ترس به سر می‌برند که مبادا کسی از اسرار آنان با خبر شود. لذا هر صدا و تحرکی را به ضد و ضرر خود می‌پندارند و بر همین اساس، همیشه در اضطرابند.

### ۵-۳. ارتکاب بدی‌ها و ترویج منکرات

پیامد دیگر نفاق، ارتکاب بدی‌ها و ترویج منکرات است. منافقان همیشه در پی انجام بدی‌ها و پخش و نشر منکرات هستند. چنانکه خداوند سبحان در این مورد می‌فرماید: «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ مردان و زنان منافق از جنس همدیگرند، به کارهای زشت دستور می‌دهند و از کارهای نیک بازمی‌دارند و دستانشان را (از انفاق و بخشش) بسته نگه می‌دارند، خداوند را از یاد برده‌اند و خداوند نیز آنان را به فراموشی سپرد، همانا منافقان همه فاسقند» (توبه: ۶۴).

خداوند سبحان در این آیه کریمه، برخی خصلت‌های بد منافقان را بیان می‌کند: خصلت اول: «يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ»، آن‌ها یکدیگر را به کارهای ناپسندی دستور می‌دهند که از شریعت آن‌ها متفر است و عقل نیز آن‌ها را بد می‌داند. آن کارهای ناپسند عبارت است از شرک، فسق، عصیان، مخالفت با الله سبحان و رسولش، کذب و خیانت، مخالفت با حق و حق پرستی.

خصلت دوم: «وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ»، از کارهای نیک و از آنچه شریعت دستور داده و از آنچه قلب‌های سلیم آن را دوست دارد، همدیگر را باز می‌دارند؛ از قبیل توحید، اطاعت الله سبحان و رسولش و عمل بر طبق کتاب و سنت و... است.

خصلت سوم: «وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ» و دست‌های خویش را از بخشیدن و کارهای خیر می‌بندند و سخت بخیلند و هرچند در راهی باطل و ریاکاری و رسیدن به اهدافشان، اموال هنگفتی به مصرف می‌رسانند؛ اما در کار خیر آماده نیستند اندکی مصرف کنند.

خصلت چهارم: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ»، خداوند سبحان را فراموش کردند و خداوند هم ایشان را به فراموشی سپرد.

خصلت پنجم: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»، شکی نیست که منافقان فاسقاند. پس





در نتیجه به اساس حکم قرآن، منافقان و کفار جهنمی هستند (بدخشانی، ۱۳۹۳: ۲۳۰).

## ۶. پیامدهای اخروی نفاق

### ۶-۱. عدم نور در روز قیامت

یکی از پیامدها اخروی نفاق، قرار گرفتن منافقان در تاریکی است. وقتی که قیامت برپا می‌شود، آفتاب و مهتاب بی‌نور می‌شوند و مردم در تاریکی قرار می‌گیرند. پل صراط بر روی جهنم گذاشته می‌شود در آن وقت مؤمنان را خواهی دید که توسط نور ایمان‌شان پیش می‌روند. هنگامی که منافقان مؤمنان را می‌بینند که به‌وسله نورشان راه می‌روند، منافقان از مؤمنان، نور مطالبه می‌کنند که اجازه دهید از نور شما استفاده کنند؛ اما در خواستشان پزرفته نمی‌شود

خداوند سبحان در این مورد می‌فرماید: «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ؛ روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: به ما بنگرید تا از نورتان بهره‌ای گیریم. گفته می‌شود به پشت سرتان برگردید و (در آنجا) نور بجوید. پس میان ایشان دیواری زده می‌شود که دارای دری است؛ درونش (سمت مؤمنان) رحمت و بیرون آن (سمت منافقان) عذاب است» (حدید: ۱۳).

بر اساس این آیه مبارکه باید گفت که صداقت در ایمان و یکتاپرستی، نور و باعث فلاح و پیروزی هر دو جهان خواهد بود؛ اما کذب و منافقت تاریکی و باعث هلاکت خواهد شد.

### ۶-۲. سقوط در پایین‌ترین طبقه دوزخ

پیامد دیگری نفاق، وارود منافقان در پایین‌ترین طبقه جهنم است. پس منافقان از کافران پایین‌تر قرار داده می‌شوند؛ زیرا آنان با مسلمانان از راه‌های مکر، فریب و دشمنی وارد شدند و برای ضربه زدن به اسلام و مسلمانان، شیوه‌های عجیبی را به کار می‌بردند و هر کسی از نیات پلید آنها اطلاع نمی‌یافتند. لذا مستحق سخت‌ترین جزا هستند. چنانکه خداوند سبحان در این مورد می‌فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا؛ بی‌گمان منافقان در طبقه پایین‌ترین جهنم قرار می‌گیرند و هیچ یآوری برایشان



نخواهی یافت و این پیامد خاص منافقت است» (نساء: ۱۴۵).

### ۶-۳. مستحق عذاب دردناک

منافقان در ظاهر اظهار خیر می‌کردند، ولی در باطن نیت شر دارند. ابن جریج می‌گوید: منافقان کسانی هستند که؛ سخنشان مخالف عملشان، سرشان مخالف ظاهرشان، مدخلشان مخالف مخرجشان و حضورشان مخالف غیابتشان است. در قلب‌های منافقان مرض شک و تکذیب وجود دارد، به سبب گمراهی که دارند خداوند سبحان شک و اضطراب‌شان را افزوده است و عذاب دردناک در انتظارشان خواهد بود؛ چون خداوند سبحان در این مورد می‌فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» در دل‌هایشان، بیماری است خداوند به بیماری آنان افزوده و به‌خاطری سخنان دروغی که می‌گفتند، برایشان عذاب دردناکی است» (بقره: ۱۰).

### ۷. راهکارهای پیشگیری از انحراف از منظر قرآن

برای ثابت ماندن به توحید و مصونیت از انحراف عقیدتی و شک در توحید و دین، خداوند رهکارها و شیوه‌های گوناگونی را در قرآن بیان نموده است. به برخی مهم آن اشاره خواهیم نمود:

### ۷-۱. پیروی از قرآن کریم

قرآن بهترین رهنما و شایسته‌ترین راهکار برای پیشگیری از انحرافات اعتقادی است. این کتاب الهی به درمان بیماری‌های اعتقادی و رهایی انسان‌ها از تاریکی‌هایی مانند شرک، کفر، نفاق و فساد کمک می‌کند و آنها را به نور توحید هدایت می‌نماید. قرآن انسان‌ها را از جهل به آگاهی، از کفر به ایمان، از ستمگری به عدالت و از گناه به تقوا می‌کشاند. بیماری‌های اعتقادی خطرناک‌تر از بیماری‌های جسمی هستند و نیاز به درمان بیشتری دارند. خداوند قرآن را به عنوان شفا و رحمت برای این بیماری‌ها معرفی کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» ای مردم! از جانب پروردگارتان پندی و درمان آنچه که در سینه‌هاست برای شما آمده است و هدایت و رحمت برای مومنان است» (یونس: ۵۷).



در این آیه چهار وصف قرآن کریم بیان شده که هر وصف آن، بیانگر یک مرحله از مراحل تربیت و تهذیب انسان و علاج یک مرض است.

وصف اول، پند و اندرز بودن قرآن است که انسان را به اجتناب از مضرات و پاکسازی ظاهری و امیدارد که این نخستین مرحله تربیت و اولین مرتبه از مراتب علاج مرض است. به این جمله به آن اشاره کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ»؛ این جامع ترین ترغیب است که انسان را به کارهای نیک دعوت می کند و از کارهای بد برحذ می دارد؛ چنانکه در سوره آل عمران آیه ۱۳۸ آمده است «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ»؛ این قرآن برای مردمان بیانگر (حقایق) و مایه هدایت و پندی برای پرهیزکاران است.

وصف دوم بیان کننده مرتبه علاج است؛ یعنی مرتبه پاکسازی باطن انسان از رذائل اخلاقی که در این جمله اشاره شده است: «وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» و قرآن درمان امراضی است که در سینه هاست. این یعنی قرآن کریم، سینه های انسان ها را از امراض شهوات و شبهات که منشأ تمام انحرافات و بدبختی هاست، پاک می سازد؛ چنان که در سوره اسراء آیه ۸۲ آمده است: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» و ما از قرآن چیزی را فرو می فرستیم که برای مومنان درمان و مایه رحمت است و برای ستمکاران، جز زیان (چیزی) را نمی افزاید.

وصف سوم، هدایتگر یا علاج روح بودن قرآن است. هدایت عبارت از تجلی انوار الهی در قلب مؤمن است که پس از پاکسازی ظاهری و باطنی، صورت می گیرد که کلمه «وَهُدًى»، بیانگر آن است؛ یعنی قرآن انسان را به راه حق و یقین و صراط مستقیم که راه سعادت دنیا و آخرت است، راهنمایی می کند.

وصف چهارم، رحمت بودن قرآن است که در این جمله اشاره شده: «وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»؛ و برای مومنان رحمت است»، یعنی آن ها را از تاریکی های ضلالت و جهل، به سوی ایمان و علم و معرفت و راه سعادت سوق می دهد (بدخشانی، ۱۳۹۳: ۳۹۷-۳۹۸).

## ۲-۷. ایمان

یکی دیگری از راهکارهای پیشگیری از انحراف عقیدتی، ایمان آوردن است. انسان با ایمان خود می تواند خود را به الله سبحان نزدیک کند و سعادت ابدی را از آن خود نماید و خود



را از انحراف عقیدتی نگه دارد. بدون ایمان انسان در خسران و هلاکت خواهد بود. چنانکه خداوند می‌فرماید: (وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ قسم به زمان (که سرمایه زندگی انسان و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است) به یقین که انسان در زیان است، مگر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته (عمل صالح) انجام داده‌اند و همدیگر را به حق (توحید) و درستی سفارش کرده‌اند و همدیگر را به صبر و شکیبایی توصیه نموده‌اند) (عصر: ۱-۳).

این سوره بر چهار صفت اساسی تأکید دارد که برای هر مؤمن و مسلمان ضروری است و باعث نجات او از خسران می‌شود؛ ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و توصیه به صبر. خداوند سبحان در این سوره به ما می‌آموزد که تنها با داشتن این چهار صفت می‌توان به فلاح و رستگاری حقیقی رسید. اگر کسی این صفات را نداشته باشد، کشتی نجات او در نیمه راه متوقف می‌شود و از رسیدن به ساحل مطلوب که همان سعادت ابدی است، محروم خواهد ماند و به خسران دنیا و آخرت گرفتار خواهد شد.

### ۷-۳. باور داشتن به نظارت الهی

راهکار دیگری برای جلوگیری از انحرافات عقیدتی باور داشتند به نظارت و مراقبت الهی است، خداوند انسان‌ها را آفریده و خلیفه و جانشین روی زمین قرار داده است تا می‌بیند که چگونه عمل می‌کنند (عمل خیر انجام می‌دهند، پس پاداشت داده می‌شوند، یا عمل شر که کیفرش را خواهند دیدند)؛ چون خداوند سبحان می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ؛ سپس شما را بعد از آنان در روی زمین جایگزین ساختم تا بنگریم که چگونه عمل می‌کنید؛ یعنی خداوند سبحان گروه‌های مختلف را به عذاب‌های گوناگون هلاک نموده و امت رسول الله (ص) را خطاب قرار داده می‌فرماید: شما را جانشین و خلیفه در روی زمین ساختم و می‌بینم چگونه عمل می‌کنید» (یونس: ۱۴).

پس باور داشته باشیم که همیشه زیر نظر و ترصد او تعالی قرار داریم؛ زیرا خداوند و همیشه ما را زیر نظر دارد. چنانکه خودش می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ؛ بی‌گمان پرودگار تو در کمین (مردمان و مترصد اعمال ایشان) است» (فجر: ۱۴). پس به خداوند سبحان چیزی پوشیده نمی‌ماند نه در آسمان‌ها و نه در زمین: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ



فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ؛ بی‌گمان هیچ چیزی در آسمان و در زمین بر خداوند سبحان پنهان نمی‌ماند» (آل عمران: ۵).

از جمله آنچه بر وی پوشیده نمی‌ماند، ایمان مؤمنان و کفر کافران و انحراف منحرفین است و آنچه را که آشکار می‌کنیم و آنچه را که در سینه پنهان داریم، به همه حالات و کردار ما عالم و بیناست. حتی خیانت چشم‌ها را می‌داند. منظور از خیانت چشم، آن نگاه مخفیانه و دزدانه است که آدمی آن را از رفیق و همنشانش پنهان می‌دارد؛ اما از خداوند سبحان پنهان نمی‌ماند. چنانکه خداوند می‌فرماید: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ خداوند سبحان خیانت چشم‌ها و آنچه را که سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند» (غافر: ۱۹). خلاصه اینکه خداوند تمام افعال و کردار انسان را زیر نظر دارد و از همه چیز آگاه است. پس انسان باید به نظارت و مراقبت الله متعال، باوردمند باشد تا از انحرافات اعتقادی دست بردارد. باور داشتن به نظارت الهی، سبب کاهش و جلوگیری از منحرف شدن انسان می‌گردد.

#### ۴-۷. توبه

یکی از راهکارهای مهم پیشگیری از انحراف عقیدتی، توبه است. انسان به‌طور طبیعی ضعیف و ناتوان آفریده شده و ممکن است به‌طور عمدی یا سهوی مرتکب گناه شود و از توحید منحرف گردد. این انحراف می‌تواند به شرک، فسق و نفاق منجر شود و فرد را ناپاک و نجس کند. با توبه، انسان می‌تواند خود را پاک کرده و از گناهان رهایی یابد. بنابراین، توبه بهترین وسیله برای پاک‌سازی و پیشگیری از انحراف عقیدتی است. چنانکه خداوند سبحان می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ هنگامی که موسی<sup>(ع)</sup> به قومش گفت: ای قوم من! شما با پرستش گوساله بر خود ستم کرده‌اید. بنابراین به درگاه پروردگارتان توبه کنید، پس خودتان را بکشید، این عمل نزد خالق‌تان برایتان بهتر است، آنگاه الله سبحان توبه شما را پذیرفت؛ زیرا او توبه پذیر و مهربان است» (بقره: ۵۴).

آیه کریمه به این نکته اشاره دارد که توبه، گناه و انحراف عقیدتی بنی اسرائیل را پاک کرد.



توبه آن‌ها به خاطر گناه بزرگ قتل یکدیگر بود و این عمل، هم برای کشته شدگان و هم برای بازماندگان، موجب کفاره و توبه محسوب می‌شد.

از سدی به این گونه نقل است وی می‌گوید: بنی اسرائیل دو صف بستند (کسانی که عجل را عبادت کرده بودند و کسانی که عبادت نکرده بودند)، با شمشیرهای خود جنگیدند. پس کسانی که در این جنگ کشته شدند، از هردو گروه شهید هستند. تعداد کشته شدگان به قدر زیاد شد که نزدیک بود تماماً هلاک شوند، کشته شدگان به هفتاد هزار نفر رسید. سپس حضرت موسی و هارون دعا کردند پرودگارا هلاک شد بنی اسرائیل! پرودگارا کسانی که باقی مانده‌اند، زنده نگه‌دار! سپس دستور داد که اسحله خود را بگذارند و خداوند سبحان، توبه آنان را قبول نمود. پس آنانکه کشته شدند، شهیدند و آنان که باقی ماندند، این جنگ باعث محو گناهانشان شد. قول الله سبحان اشاره به آن است: «فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ به همین مفهوم نیز از مجاهد، سعید ابن جبیر و ابن جریج و ابن اسحاق نقل است (حموش، ۲۰۰۷: ۲۵۲).

## ۶-۷. باور داشتن به روز قیامت

راهکار دیگر برای پیشگیری از انحراف عقیدتی، باور به روز قیامت است. روز قیامت حق و آمدنی است؛ چنان‌که خداوند سبحان می‌فرماید: «ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَا؛ آن روز واقعیت دارد و حق است (هیچ شک در وقوعش نیست)، پس هر کس می‌تواند عمل درستی انجام دهد که در روز قیامت به‌سوی او باز می‌گردد» (نبا: ۳۹).

روز قیامت روزی است که هر کس در غم خود گرفتار است و مال و اولاد، هیچ دردی را دوا نمی‌تواند. چنان‌که خداوند سبحان می‌فرماید: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ؛ روزی که اموال و اولاد هیچ سودی نمی‌رساند، بلکه تنها کسی (نجات می‌یابد و سود می‌بیند) که با دلی پاک (از شرک، کفر، نفاق، شک و از محبت غیر الله سالم و پاک باشد) نزد خداوند سبحان بیاید» (شعراء: ۸۸/۸۹). آن روز بسیار روز سخت است که صاحبان حمل، حمل خود را وضع می‌کند مادر شیرده از شیرخوار خود غافل می‌شود، مادر از فرزند و فرزند از مادر و برادر از برادر فرار می‌کند. چنان‌که خداوند سبحان می‌فرماید: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ؛ روزی که آدمی از برادرش فرار می‌کند



و از مارد و پدر و از همسرش و فرزندش می‌گریزد» (عبس: ۳۴-۳۶). پس باروداشتن به روز آخرت انسان را وای می‌دارد که از هرگونه انحراف عقیدتی و بد اخلاقی دست بردارد و راه توحید و یکتاپرستی را در پیش گیرد.

#### ۷-۷. اطاعت از اوامر و دوری از نواهی خداوند

راهکار دیگر برای پیشگیری از انحرافات عقیدتی، اطاعت از اوامر خداوند و اجتناب از نواهی او است. ما هر وقت به دستورات الله سبحانه، پایبند بودیم و از نواهی او خودداری کردید، راه پیروزی و مطلوب را تعقیب کرده‌ایم. خداوند سبحانه می‌فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ این راه (که من برایتان ترسم کردم)، راه راست من است، از آن پیروی کنید و از راه‌های (باطل که شما را از آن منع کرده‌ام) پیروی نکنید که در این صورت از راه راست من منحرف می‌شوید، این‌ها چیزهایی است که خداوند سبحانه شما را بدان توصیه می‌کند تا پرهیزگار شوید» (انعام: ۱۵۳).

در حدیث شریف به روایت عبدالله ابن مسعود آمده است: رسول الله (ص) برای ما خطی کشید و فرمود: این راه راست مستقیم خداست، آن‌گاه خطوطی از راست و چپ آن خط، کشید و فرمود: این‌ها راه‌ها دیگری است و هیچ راهی از آن‌ها نیست مگر اینکه بر آن شیطانی قرار دارد که به سوی آن فرامی‌خواند. سپس این آیه کریمه قرائت نمودند: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (شیبانی، ۱۹۹۵: ۱۵۶). اطاعت از دستورات خدا و رسولش، باعث جلب ترحم او می‌شود. چنانکه خداوند سبحانه می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ از خداوند و پیامبر اطاعت کنید تا (در دنیا و آخرت) مورد رحمت خداوند قرار بگیرید» (آل عمران: ۱۳۲). بنابراین اطاعت از اوامر و اجتناب از نواهی الهی، بهترین راهکار برای پیشگیری از انحراف عقیدتی محسوب می‌شود و این عمل به تمسک جستن به قرآن و پیروی از سنت به دست می‌باید.

#### ۷-۸. یادی مرگ و قیامت

وقتی انسان مرگ و قیامت را یاد آور می‌شود، به فکر می‌افتد که مرگ آمدنی است، ذهنش



درگیر این خواهد شد که مرگ اولین مرحله جدایی از دنیا و نقطه آغاز روز قیامت است. مرگ برای همه است، چنانکه خداوند سبحان می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ؛ هر نفس (زنده‌جانی) چشنده مرگ است» (آل عمران: ۱۸۵). در جای دیگری می‌فرماید: «أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ؛ هر جا که باشید، مرگ به سراغ شما خواهد آمد، هرچند در قصرها و برج‌های استوار و محکم باشید» (نساء: ۷۸).

مرگ از بین برنده لذات و باعث جدایی از خانواده و فرزند و مال و مقام و تمام تجملات زندگی است. مرگ حقیقت تلخ و ناگواری است که به سراغ همه می‌آید. پس همه می‌داند و یقین دارد که همگی می‌میرند و سفری به جهان دیگر در پیش است؛ سفری که زاد و توشه بسیار لازم دارد و بهترین توشه آخرت تقوا و خودداری از شرک، کفر، عصیان و طغیان است. لذا خداوند سبحان نخست مردم را به تقوا و خودداری از انحراف عقیدتی دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ؛ ای مردم از پرودگارتان بترسید (و قیامت را به یاد آورید) به راستی زلزله قیامت چیزی بزرگ است؛ روزی که آن را ببینید (در آن روز مردم را چنان وحشت فرامی‌گیرد (که) هر زن شیردهی کودک شیرخواره‌اش را فراموش می‌کند و هر زن بارداری (از شدت بیم و هراس) بارش را می‌نهد و مردم را (در آن روز) مست می‌بینی در حالی که مست نیستند، ولی عذاب الله سبحان سخت است.

امام غزالی در کتاب کیمیای سعادت می‌نویسد: «هر که شناخت و درک کرد که آخر کار وی به همه حال مرگ است، قرارگاه وی گور است، مؤکل وی منکر و نکیر، موعد وی قیامت و بهشت یا دوزخ است، هیچ اندیشه‌ای برای وی مهم‌تر از اندیشه مرگ نبود و هیچ تدبیری عالی‌تر از تدبیر توشه مرگ نبود (غزالی طوسی، ۱۳۸۴: ۹۸۹-۹۹۰).

راهکارهای دیگر نیز وجود دارد؛ از قبیل تفکر، تعقل، تذکر، دوری از گمراهی، داشتن مرشد و راهنما، دوری از گناه و مظان آن، انتخاب الگوی صحیح، دوری از دوست بد، شناخت کید شیطان، عبرتگیری و پندآموزی از وقایع، عوامل خانوادگی و اجتماعی، راهکارهای جمعی و اجتماعی و... است. این موارد در آیات و منابع ذیل به ترتیب آمده





است: (انبیاء: ۶۷؛ الاعراف: ۲۰۱؛ ص: ۲۶، الانعام: ۲۹۰؛ الجن: ۱-۲؛ الکهف: ۶۶؛ الانبیاء: ۷؛ النساء: ۳۱؛ الاحزاب: ۲۱؛ الممتحینه: ۴؛ الفرقان: ۲۷-۲۹؛ قرطبی، ۱۳: ۲۷؛ حجر: ۳۹-۴۰؛ طبری، ۱۴۲۰: ۳۳۲؛ یوسف: ۱۱۱؛ النحل: ۳۶؛ بخاری ۱۴۲۲: ۱۰۰؛ بخاری، ۱۴۲۲: ۲۲)

### نتیجه‌گیری

در این مقاله، پیامدهای دنیوی و اخروی کفر، شرک و نفاق بر اساس آیات قرآن کریم بررسی شده است. کفر در دنیا سبب سلب توفیق می‌شود و گمراهی انسان را در پی دارد و در آخرت موجب نابینایی، حبط اعمال، خسران ابدی، ندامت و محرومیت از شفاعت می‌شود. شرک نیز در دنیا انسان را گرفتار خرافات، ترس، وحشت و وابستگی به تکیه‌گاه‌های ضعیف می‌کند و در آخرت موجب حبط عمل، محرومیت از بهشت و ندامت ابدی می‌شود. نفاق، به عنوان یکی از انحرافات اعتقادی، در دنیا باعث خودبرتربینی، اضطراب دائمی، ارتکاب بدی‌ها و ترویج منکرات می‌شود و در آخرت موجب بی‌نصیب شدن از نور در قیامت، سقوط به پایین‌ترین طبقه جهنم و استحقاق عذاب دردناک خواهد شد.

بر اساس منابع دینی، به‌ویژه قرآن کریم، راهکارهای مقابله با این انحرافات شامل پیروی از وحی، ایمان، باور به نظارت الهی، توبه، اعتقاد به قیامت، اطاعت از اوامر الهی و دوری از منکرات و یاد مرگ و قیامت است. التزام به این اصول، انسان را از لغزش‌های اعتقادی حفظ کرده و مسیر هدایت را برای او هموار می‌سازد.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. بخاری، محمد بن إسماعیل، (۱۴۲۲ق)، صحیح البخاری، (المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر)، بی جا: دار طوق النجاة الطبعة.
۲. بدخشانی، محمد اکرام الدین، (۱۳۹۳)، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، لاهور: مکتبه اسلامیہ.
۳. حموش، مأمون احمد راتب، (۲۰۰۷)، التفسیر المأمون علی منهج التنزیل والصحیح المسنون، بی جا: المؤلف.
۴. شیبانی، أحمد بن حنبل، (۱۹۹۵م)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، (المحقق: أحمد محمد شاكر، القاهرة: دار الحديث.
۵. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۲۰ق)، جامع البیان فی تأویل القرآن، (المحقق: أحمد محمد شاكر)، بی جا: مؤسسة الرسالة.
۶. غزالی طوسی، محمد، (۱۳۸۴)، کیمیای سعادت، (تصحیح: احمد آرام)، تهران: موسسه انتشاراتی پرهان.
۷. قرطبی، محمد بن أحمد، (۱۹۶۴م)، تفسیر القرطبی، (تحقیق: أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش)، القاهرة: دار الكتب المصرية.

۹۰



۱۴۰۳ زمستان و خزان



شماره هشتم



سال چهارم



دوفصلنامه یافته های تفسیری

